



با گذشته خود چیرگی

سید مجید کمالی

پدیدارشناسی هوسرل به لحاظی، خط فارسی است که جریان‌های فلسفی بعد از خود راه به سبب تأثیر قاطعی که تقریباً بر جمعی آنها نهاده، از دستاوردهای اندیشگی قبلی جدا می‌کند. از یادگار (که شاگرد پلافصل وی بود) و سازتو تا فیلسوفان پسادرنی چون دریندا و لیوتار، کار فکری‌شان را از مبدا و بر مبنای پدیدارشناسی هوسرل آغاز کرده‌اند. بگذریم از جریانی که توسط مرلوپونتی و تحت عنوان پدیدارشناسی ادراک پا گرفت که تعلقی تام به آرای هوسرل داشت.

با این همه، و به رغم تلاش‌هایی که برای ترجمه آثار فلسفی پسین (از جمله پسادرن) صورت گرفته، تا به حال هیچ اثر مستقلی که مستقیم به آثار هوسرل بیردازد در ایران منتشر نشده بود. کتاب عبدالکریم رشیدیان، نخستین تلاش در این راه است، و البته تلاشی در خور.

یکی از کتاب‌هایی که در سال جاری در حوزه فلسفه به بازار کتاب عرضه شد، کتاب ارزشمند «هوسرل در متن آثارش» است. نویسنده این اثر، دکتر عبدالکریم رشیدیان که قبلاً نیز در حوزه «پدیدارشناسی» آثاری همچون ایده پدیدارشناسی و تاملات دکارتی از نوشته‌های هوسرل و «پدیدارشناسی» ژان فرانسوا لیوتار را ترجمه کرده بود، با کوله‌باری از تجارب گرانمایه‌های تدریس در باره تفکر هوسرل، دست به پژوهشی گسترده در آثار هوسرل زده و مجموعه این تحقیقات را به شیوه‌ای مناسب و قابل توجه در اختیار خوانندگان و علاقه‌مندان فلسفه معاصر قرار می‌دهد. در غیاب ترجمه آثار اصلی هوسرل به زبان فارسی و نیز عدم آشنایی اکثر دانشجویان به زبان‌های خارجی، این کتاب خوانندگان را هر چه مستقیم‌تر با آثار این فیلسوف آشنا می‌کند. انظوری که خود مولف در مقدمه کتاب بیان می‌دارد شیوه نگارش کتاب این گونه بوده است که وی قطعات کلیدی آثار اصلی و چاپ شده هوسرل را به فارسی ترجمه کرده و سپس از میان آن‌ها به گزینش و فشرده‌سازی قطعاتی می‌پردازد که به نظر، مقصود هوسرل

یک تصور نه یک ابزار حلولی، نظیر یک عکس یا تصویر، بلکه معنای آن است، اما حقیقت به معنای مطابقت یا تناظر معنا با ابزارش، را باید به معنای مغایرت معنا با «شهود» پرکننده آن معنا فهمید. عناصری از این طرز تفکر برای همیشه در اندیشه هوسرل باقی ماندند. به طور خلاصه هوسرل در این مقاله میان محتوای روان‌شناختی و محتوا یا معنای مثالی و منطقی تفاوت می‌گذارد و نیز مفهوم محتوای آگاهی را از ابزار فصدی عمل آگاهی متمایز می‌سازد. هوسرل بعدها این تمایزات را هم در پژوهش‌های منطقی و هم در ایده‌ها و در تحلیل مفاهیم نوسیس و نونما به کار می‌بندد.

نقطه اوج دوران اقامت هوسرل در هاله انتشار «پژوهش‌های منطقی» بود. نخستین بار در این کتاب بود که هوسرل فلسفه خود را «پدیدارشناسی» نامید. این کتاب نقدی ریشم‌های و تأثیر گذار علیه تیلور «اتورا ایسم» در منطق و مرزبندی قاطعی میان منطق محض و دیدگاه اصالت روانشناسی نژد منطق دانان بزرگ پایان قرن نوزدهم نظیر میل، لیبز و زیگورات و حتی مرزبندی یا دیدگاه‌های اولیه خود هوسرل به عنوان شاگرد برناتو بود. هوسرل در این کتاب دو هدف عمده را دنبال می‌کند:

۱- تعریف ایده منطق محض و دفاع از آن در مقابل طرز تلقی‌هایی که منطق را «فن شناخت» یا «علم هنجاری» می‌دانستند. در حالی که برای هوسرل منطق محض چیزی نبود جز نظامی از حقایق و قوانین مثالی و محض ۲- رد دیدگاه اصالت روانشناسی به عنوان نظریه‌ای درباره منطق که قوانین منطقی را بر قوانین روان‌شناختی حاکم بر ذهن انسان استوار می‌کند.

«پژوهش‌های منطقی» گرچه قبل از شکل‌گیری کامل رویکرد پدیدارشناختی هوسرل نوشته شد، اما بسیاری از راه‌مهم‌ترین و بنیادی‌ترین اثر او می‌دانند. تحولات فکری هوسرل بعد از چاپ اول «پژوهش‌ها» او را به بعضی از پازنگری‌ها در چاپ دوم آن وادار ساخت که مهم‌ترین آن‌ها عبارت بودند از:

۱- ترک اصطلاح «روانشناسی توصیفی» برای فلسفه خوبش و تلقی آن به عنوان پدیدارشناسی یا «علمی ایدئتیکی» که هدفش دستیابی به ساخت‌های ماهوی آگاهی است. ۲- تصحیح رویکردش در توجه یک‌جانبه به تحلیل نوتتیکی (تحلیل اعمال آگاهی) و توجه به نونما و تحلیل‌های نونماتیکی معنا. ۳- رد دیدگاه هیوم درباره آگو و پذیرش آگو به عنوان مرکز اعمال و قصد.

اما پس از این که هوسرل به مقام استادی دانشگاه گوتینگن رسید و از سال ۱۹۰۳ به بعد اندک اندک از توصیف فلسفه خویش به عنوان نوعی «روانشناسی» دست کشید، با به کار بردن واژه «پدیدارشناسی» آن را از هرگونه روان‌شناسی متمایز کرده و زیر موضوع مورد بررسی انواع روان‌شناسی نهایتاً راندها و رویاندهای روانی به مثابه امری طبیعی است. در حالی که هدف هوسرل صرفاً روشن‌سازی کارکردهای متبخش آن‌ها از طریق شهود محض بود. هوسرل در این دوره و در کتاب «ایده پدیدارشناسی» علاوه بر ارائه ایده «تقلیل» به عنوان روش ممتاز پدیدارشناسی برای ترک حوزه طبیعی و روانشناختی و ورود به حوزه محض و استعلایی، تقریباً تمامی مفاهیم اصلی پدیدارشناسی نظیر تقویم، الگوی استعلایی، رویکرد طبیعی، نوسیس، نونما و تضایف آن‌ها را به اجمال طرح و بررسی کرده است. همچنین هوسرل در این دوره کتاب بسیار مهم دیگری تحت عنوان «ایده‌های هدایت‌کننده یک پدیدارشناسی محض و گونه‌های فلسفه پدیدارشناختی» موسوم به «ایده‌ها» را به رشته تحریر درآورد. نگارش «ایده‌ها» از جهات مختلف دارای اهمیت است. اولاً نشانه انتقال قطعی هوسرل به ایده‌ایسم استعلایی است، هر چند این واژه در «ایده‌ها» یافت

را به مناسب‌ترین شکل به خواننده انتقال می‌دهند. این کتاب از فصل‌های متعددی همچون زندگی و آثار، هوسرل و روانشناسی توصیفی برناتو اصالت طبیعت، معنای رویکرد طبیعی و رویکرد فلسفی، ابوجه، اگر قصدیت پدیدارشناسی عقل، آگاهی و زمان-تشکیل شده است که در هر یک از این فصول نیز به موضوعات مختلفی با رجوع به آثار هوسرل پرداخته می‌شود.

اما اگر بخواهیم به طور اجمالی از مطالب مندرج این کتاب گزارشی ارائه کنیم، در ابتدا ذکر این مطلب درباره هوسرل ضروری به نظر می‌رسد که به طور کلی بنا به گفته اغلب مفسران سه دوره را می‌توان در تحول فکری هوسرل از هم تمییز داد که با دورهای اقامت وی در سه شهر هاله، گوتینگن و فراپورگ مشخص می‌شود. بعضی مفسران بنا به دیدگاه خود یکی از دوره‌ها را محور کل اندیشه هوسرل و راهنمای بزرگ دوره‌های دیگر می‌دانند، اما چنین رویکردی به پویای تاریخی اندیشه هوسرل چندان بهانه نمی‌دهد و این با تأکیدهای مکرر خود هوسرل که «خوبترین را «آغازگری» دانمی می‌داند، سازگار است و ثانیاً ناپوستگی‌های واقعی اندیشه هوسرل را نیز تا حدودی نادیده می‌گیرد. از جمله نکات مثبت این کتاب این است که مولف کوشیده است تحول اندیشه هوسرل را هم در وحدت غایی و هم در گسست‌های بالفعل آن ترسیم کند.

هوسرل در سال ۱۸۸۶ در هاله اقامت گزید و در درس‌های روانشناسی کارل اشتوف شرکت کرد. هوسرل به راهنمایی وی، کتاب اصول روانشناسی جیمز را مورد مطالعه قرار داد و بنا به تصدیق خود هوسرل، آرای جیمز درباره سپال بودن ذهن نقشی سازنده در تلقی او از آگاهی به عنوان «چریان» ایفا کرد. این تأثیر سبب شد که هوسرل نیز برخلاف سنت روانشناسی قناعی گرای انگلیسی و تکیه آن بر «حساس‌های ساده»، عناصر بسیط یا «اتم‌های ذهنی»، تصویر «چریان» را برای آگاهی مناسب‌تر بداند و آن را سیلانی هراکتی از زیسته‌های متغیر و گذرنده به عنوان داده‌های اولیه و بنیانی به شمار آورد. دغدغه اصلی او این بود که نشان دهد چگونه در دل این سوژه کتیوبته جاری و ززمند، انواع ابزار کتیوبته‌ها، حتی ابزارهای غیر زمانی و خلاصه چنان به طور کلی مفهوم می‌شود. هوسرل به هنگام اقامت دوساله خود در وین تحت تأثیر برناتو به ریاضیات و منطق علاقه‌مند شده بود و رساله استادی خود را در همین زمینه نوشت. این رساله که «در باره مفهوم عدد» تحلیل‌های روانشناختی» نام داشت، با رویکرد روانشناسی توصیفی برناتو تدوین شده بود. هوسرل می‌کوشید شکل‌گیری مفهوم عدد را در مجموعه‌ای از اعمال ذهنی که آن را «ترکیب گروهی» می‌نامید توضیح دهد. این اثر بعداً در فلسفه حساب به عنوان دو بخش اول آن ادغام شد. در دهه ۱۸۹۰ تا ۱۹۰۰ هوسرل در مقالات متعددی به نقد دیدگاه‌های اصالت روانشناختی و ریاضی از منطق پرداخت. این مقالات عمدتاً تمهیدی برای نگارش پژوهش‌های منطقی به شمار

می‌آیند. در میان نوشته‌های هوسرل مقاله‌ای به نام «ابژه‌های قصدی» وجود دارد که نگارش آن احتمالاً به سال‌های ۱۸۹۴-۱۸۹۴ برمی‌گردد. این مقاله نشانه چرخش مهم دیگری در اندیشه هوسرل است و ماهیت تصوراتی بی‌ابژه» را به بحث می‌گذارد. به عقیده هوسرل متعلق تصور نه ابژه بلکه فقط معنایی (Bedeutung) است که در آن افاده می‌شود، در حالی که ربط آن با یک ابژه به همبستگی‌های میان حقایق یا احکام اشاره دارد. محتوای

از جمله نکات مثبت این کتاب این است که مولف کوشیده است تحول اندیشه هوسرل را هم در وحدت غایی و هم در گسست‌های بالفعل آن ترسیم کند

نمی‌شود، اما تحلیل‌های مختلف آن حول این مفهوم شکل می‌گیرد. باید توجه داشت که پدیدمشناسی استعلایی تولدی دشوار و پراقت و خیز داشته و کتاب ایده‌ها، در عین حال که اساسی‌ترین مضامین پدیدمشناسی را مطرح می‌کند اما هنوز تزلزل‌ها و ناروشنی‌هایی در آن مشاهده می‌شود که تنها از دشواری‌های طبیعی هر دوره گذار ناشی نمی‌شوند، بلکه چه بسا ایهام ذاتی و اجتناب‌ناپذیر برنامه پدیدمشناسی را نشان می‌دهند. ایهامی که خود هوسرل بیش از هر کس به آن اجتناب‌ناپذیر بودن آن آگاه بوده است.

اما ایده‌ها، I به «پدیدمشناسی تقویم»

اختصاص دارد. می‌دانیم که تقلیل پدیدمشناسی با حذف نمودهای غیر ضروری از هر پدیده، نقل ماهوی آن را به دست می‌آورد یا به تعبیر هوسرل «تقویم می‌کند». از این رو «تقلیل» مکملی دارد که «تقویم» خوانده می‌شود. به عبارتی دیگر برنامه پدیدمشناسی این است که پس از به دست آوردن حوزه خالص و محض یا «تقلیل یافته» آگاهی در روندی برگشتی به روشن‌سازی و تحلیل چگونگی شکل‌گیری یا تقویم پدیده‌های جهان در این عرصه آگاهی محض بپردازد. از این رو «پدیدمشناسی تقویم» را می‌توان واپسین ایستگاه پدیدمشناسی به حساب آورد. اما ایده‌ها، III به نام پدیدمشناسی و مبانی علوم به بررسی حوزه‌های مختلف واقعیت (مادی، حیوانی) و رابطه آن‌ها با علوم مربوطه، رابطه پدیدمشناسی یا روان‌شناسی و اونتولوژی و بررسی روش‌های علوم و ذخایر معنوی آن‌ها می‌پردازد. آغاز قلمت هوسرل در فرایبورگ در سال ۱۹۱۶ مقرر است. با سخنرانی آغاز به کار وی تحت عنوان «پدیدمشناسی محض: قلمرو و روش تحقیق آن»، وی در این سخنرانی، ایده تجدیدنظر و «روشن‌سازی ریشه‌های معنا و انگیزه‌های مسائل فلسفی را برای نفوذ در زمینی که مسائل مزبور باید بر بنیان آن، راه حل اصیل علمی خود را به دست آورد» مطرح کرد و تبدیل فلسفه به علمی متقن را فقط از طریق پدیدمشناسی ممکن دانست. به عقیده او همه رشته‌های فلسفی در پدیدمشناسی محض ریشه می‌گیرند و بنابراین همان‌طور که در ایده‌ها، نیز گفته بود، برخلاف پوزیتیویسم که از میان تمامی ابزارهای موجود به شیوه‌های توأم با پیشداوری فقط ابزارهای طبیعی را به رسمیت می‌شناسد از حق انواع ابزارها (طبیعی، مناسی، خیالی و غیره) برای خودداری از عینیت دفاع کرد و پدیدمشناسی را «علم هر قسم ابزار» دانست و معنای ابزار را «صرفاً برش طبیعی بلکه به طور بی‌تمایز به هر چیزی که در آگاهی یا آن روبه‌رو می‌شویم» اطلاق پذیر دانست.

هوسرل در کتاب «تاملات دکارتی»، «طرح بنیادی از فلسفه و از روش و مسائل آن» به دست می‌دهد. این اثر را می‌توان نقطه اوج رویکرد اصالت ماهیتی هوسرل شمرده و رویکردی که انتشار کتاب بحران و توجه هوسرل به تاریخ، از دیدگاه بعضی مفسران او بازنگری یا لااقل تعدیل محسوب می‌شود. رویکرد تازه هوسرل در بحران و برگشت به «تاریخ» و «جهان زندگی» به عنوان موضوعی برای تأمل پدیدمشناسی ظاهراً با رویکرد غیرتاریخی و ماهیت‌گرای او در تاملات دکارتی در تعارض قرار داشته اما بیان این نکته ضروری است که در این مرحله نیز توجه هوسرل به تاریخ و رویدادهای آن نه بررسی گاه شمارانه یا حتی علی رویدادهای آن بلکه کشف ساختارها و ماهیات ثابتی در آن یا به طور خلاصه درک «ماهیت» تاریخمندی است، زیرا تاریخ یک «امر پیشین تاریخی» را که ضامن عینیت تاریخ است، به نمایش می‌گذارد.

به طور کلی و از مجموع مباحث مطروحه در کتاب «هوسرل در متن آثارش»، که در بالا به بخش‌هایی از آن اشاره کردیم، مراحل تکاپوی فکری هوسرل را که خود هوسرل آن را «طی طریق در راهی دشوار و پرسنگلاخ» تعبیر می‌کند می‌توان این گونه ترمیم کرد:

آغاز پدیدمشناسی به مثابه تلاش برای تاسیس

«فلسفه‌های نخستین» به مثابه ریاضیات عمومی معرفت پژوهش‌های منطقی؛ این تلاش با طرد «تحویلی‌گرایی» طبیعی‌گرایانه و روان‌شناختی اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم همراه بود. در این مرحله هوسرل به پیروی از برنتانو بر سه‌بعدی واسطه تکیه می‌کرد، اما با جنبه تجربی روان‌شناسی او سازگاری نداشت. شعار هوسرل

دغدغه‌های مادام‌العمر هوسرل در تاسیس فلسفه‌های متقن هرگز مانع از آن نشد که به عنوان یک «آغاز اصیل» و یک «هیتدی» دائمی افق‌های تازه‌ای را برای نظروزی فلسفی جست‌وجو کند

«بازگشت به خود چیزها» بود و تحلیل داده‌های شهود بی‌واسطه برای او وسیله دسترسی به ایدوس (eidos) یا ماهیت تغییرناپذیر یا ساختار عقلایی محض بود. او در جست‌وجوی «فلسفه‌های علمی» بود که در عین حال از روش‌های علوم تقلید نکند.

در مرحله بعد (ایده‌ها، I) توجه هوسرل به «قصیدت آگاهی» به عنوان پیونددهنده هر عمل آگاهی به ابزار آن و به طور کلی تلقی قصیدت به عنوان ساختار فرآیند آگاهی بود. در این مرحله بود که مرکز نقل پدیدمشناسی از ابزارکتیویته ماهیات مثالی به سوژه‌کتیویته آگاهی محض یا استعلایی انتقال یافته. «آگوی» مغفول اینک جایگاهی کلونی در آگاهی که همچون سیلان بی‌وقفه و پویای اعمال قصدی نگریسته می‌شده به دست می‌آورد و لتولوژی‌های صورتی و غیر انتقادی قبلی، اکنون می‌باید روشن‌سازی تکوین قصدی‌شان را در آگاهی جست‌وجو می‌کردند. این صورت جدید از رادیکالیسم پارینه‌گرایی فلسفی به معنای تولد فلسفی «ایده‌ایسم استعلایی» بود و این راهی بود که هوسرل باید به تنهایی می‌پیمود.

گام بعد حلول مجدد یا تجسد آگاهی محض در متن وجود و به زبان پدیدمشناسی، پژوهش در مسائل تقویم اعیان بود (ایده‌ها، II و III و تاملات دکارتی).

اما شکل‌گیری آگوی انضمامی و سپس آگوی شخصی بی‌گمان مسئله رابطه متقابل و همبودی آگوه‌ها یا بین‌الاندهان استعلایی را به مثابه هستر کنش و پراکسیس آگوه‌ها و شکل‌گیری «حیات روح» مطرح می‌کند. آخرین افقی که اندیشه هوسرل به آن روی می‌آورد تاریخ و جهان زندگی است (بحران) اکنون هدف تحلیل استعلایی روشن‌سازی تقویم جهان زندگی است. این تحلیل در آثار هوسرل در دو جهت مختلف اما به هم پیوسته صورت می‌گیرد. ۱- بررسی اشکال تکوین جهان و انسان در سیری ژرفکاوانه برای رسیدن به روندها و داده‌های اولیه دخیل در

شکل‌گیری و تکامل آنها. در این چار زمان به عنوان بنیان نهایی این منشأها ظاهر می‌شود. ۲- بررسی همین تکوین وجود فشرده بنیاتی و باطراوت از زندگی بشری را آشکار می‌کند. این هستمای است تا هوسرل برای راهی انسان معاصر از «عقلانیت» تحریف شده، این جهان زندگی ماقبل منطقی و علمی را برای کشف ساخت‌های «آپریودی» آن موضوع تأمل پدیدمشناسی قرار دهد تا زندگی «رلمتین» را آشکار و خودمشناسی حقیقی را میسر سازد. از این پس روشن‌سازی پدیدمشناسی به «روشن‌سازی پدیدمشناسی» تکوینی تبدیل می‌شود که لاچرم اقدام تأمل تاریخی را در پدیدمشناسی استعلایی در دستور کار قرار می‌دهد. در این نقطه است که هوسرل بر تاریخمندی ذاتی آگاهی استعلایی تأکید می‌کند. بدین ترتیب پدیدمشناسی که از دیدگاه هوسرل واپسین مرحله اندیشه غربی در دست‌یابی به غایتش دانسته می‌شد اکنون وظیفه بررسی صور مختلف عقلانیت در هر چرخش از تکامل تاریخی انسان را بر عهده می‌گیرد و چنین است که فیلسوف هوسرلی گویی با الهام از هگل به اندیشمند جهان‌شمول تبدیل می‌شود.

به هر حال ثبات دغدغه‌های مادام‌العمر هوسرل در تاسیس فلسفه‌های متقن هرگز مانع از آن نشد که به عنوان یک «آغاز اصیل» و یک «هیتدی» دائمی به گونه‌ای خستگی‌ناپذیر افق‌های تازه‌ای را برای نظروزی فلسفی و تحقق آرزوهای خویش جست‌وجو کند و بصیرت‌های پدیدمشناسی را از منظرهای گوناگون صورت‌بندی نماید. از این جا می‌توان فهمید که چرا او با بسیاری از آثار خویش و فلانیا حتی آثاری با سمت‌گیری‌های ظاهراً متضاد نظیر «تاملات دکارتی» و «بحران را «مقدمه»‌هایی بر پدیدمشناسی نامیده است.

در انتهای این کتاب پنج ضمیمه به طبع رسیده است که می‌توان از آن‌ها به عنوان مطالبی که محتوای کتاب را به نحو مناسبی تکمیل می‌کند نام برد. اولین ضمیمه به نقد دریدا از نظر گاه‌های هوسرل در باره زبان و منطق می‌پردازد. نقدی که هم به روشن شدن جایگاه نظریه‌های هوسرل در این سنت کمک خواهد کرد و هم به دلیل اهمیتش یکی از مناقشه‌هایی است که راه را بر شکل‌گیری اندیشه‌های پس‌مدرن در باره مسائلی نظیر منشأ زبان، رابطه زبان و منطق، رابطه نشانه و معنا و غیره هموار ساخته است. در سایر ضمیمه‌ها هم موضوعاتی از قبیل مفهوم غایت و غایت‌مشناسی و تاریخمندی زندگی و تجربه ماقبل حملی مطرح می‌شود. مجموعه پژوهش‌های انجام شده در این کتاب به دلیل رجوع به آثار اصلی هوسرل و ارائه حساب‌شده و هدفمند آنها به سیری مناسب برای درک و فهم هر چه اصیل‌تر آرای هوسرل کمک می‌کند.

